

نکته تاریخی

آیا انسان‌های اولیه هم «لاو» می‌ترکاندند؟!



به‌تازگی نقاشی‌هایی در یک غار، واقع در ایالت کالیفرنای آمریکا پیدا شده‌است که نشان می‌دهد انسان‌های اولیه هم به دنبال روش‌هایی برای توهم‌زایی بوده‌اند. به گزارش فرادید، با این کشف تاریخی، نخستین مدرک روشن در باره مصرف مواد توهم‌زا توسط بشر اولیه پیدا شده‌است. بر اساس این یافته‌ها، این نقاشی احتمالاً تصویری از «داتورا» است؛ گیاهی که در طول تاریخ، به دلیل تأثیرات روانی توهم‌زایی آن، به کار می‌رفته‌است. این تحقیق را گروهی از محققان، از کشورهای بریتانیا، آمریکا و آفریقای جنوبی انجام داده‌اند که در مجله «پیشرفت‌های آکادمی ملی علوم» منتشر شد. در این مطالعه، «فرض‌های دیرپا درباره نقاشی روی سنگ» به چالش کشیده و گفته شده‌است که مولفان، «اولین مدرک روشن مصرف مواد توهم‌زا را در نقاشی غاری در پینوپل کالیفرنیا» ارائه داده‌اند. در این مقاله آمده‌است: «نقش‌هایی در سقف غار، مر بوط به داتورا و رنگینی است، گیاه روانگردان بومی کالیفرنیا و این نقاشی غار، احتمالاً نمایانگر این گیاه و گروه افشانی آن است.» در مورد رابطه میان حالت‌های شبه‌هلسه‌ونقاشی غارها، مباحث زیادی مطرح بود، ولی تاکنون امدر کروشنی‌مینی بر مصرف مواد توهم‌زا «توسط انسان‌های اولیه، از هیچ نقاشی غاری به دست نیامده بود. به گفته محققان، اگر چه بومیان کالیفرنیا بر اساس اسناد تاریخی از «داتورا» برای رسیدن به حالت خلسه استفاده می‌کردند، اما «شواهد چندانی برای ربط دادن آن به این نقاشی وجود ندارد.»

مناسبت

روزی که ژاپنی‌ها روی چنگیز را سفید کردند!



۸۳ سال پیش در چنین روزی، ۹ دسامبر سال ۱۹۳۷، کمتر از دو سال قبل از شروع جنگ جهانی دوم، ژاپنی‌ها در ادامه توسعه‌طلبی‌های استعمار گرانه خود، وارد شهر «نانجینگ»، شهری مهم و تاریخی در ایالت «جیانگسو» چین و پایتخت باستانی این کشور، شدند. این ورود، پس از مقاومت‌های گسترده اهالی شهر اتفاق افتاد. ژاپنی‌ها در نانجینگ وحشیگری را به‌حداعلا رساندند. افزون بر قتل عام وزنده‌سوزی بیش از ۱۰۰ هزار زن و مرد و کودک در روز نخست، حدود ۸۰ هزار زن را مورد تجاوز قرار دادند؛ و یک‌رودی که حتی در تاریخ لشکر کشی‌های چنگیز هم، کم سابقه بود. تداوم اشغال شهر، آمار کشته‌ها را به‌شدت افزایش داد و از مرز ۲۶۰ هزار نفر گذراند. این کشتار که به‌نوعی، قتل عام هدمندو سازمان‌دهی شده بود، یکی از ننگین‌ترین صفحات تاریخ قرن بیستم را رقم زده‌است. ژاپنی‌ها بعدها کوشیدند تا در آمار اصل ماجرا تردید وارد کنند. اما اسناد و تصاویر باقی‌مانده، موضوع کشتار جمعی را تأیید می‌کند. جنایات ژاپنی‌ها در نانجینگ، شامل مسابقات گردن‌زدن با شمشیر سامورایی و شرط‌بندی روی جنسیت جنینی که در شکم زنان باردار بود هم می‌شد. «هیرو تا کوکی»، نخست‌وزیر وقت ژاپن که نقشی فعال در این جنایت و صدور فرمان قتل عام داشت، پس از جنگ و به حکم دادگاه بین‌المللی توکیو به‌مرگ محکوم و اعدام شد. «توجه‌جودکی»، ژنرال نژادپرست ژاپنی و فرمانده اصلی حمله به نانجینگ که بعدها به نخست‌وزیری ژاپن رسید نیز، در این دادگاه به مرگ محکوم و در دسامبر سال ۱۹۴۸ به دار آویخته شد.

قوانین «چوگان» در ایران عصر صفوی

چوگان یکی از ورزش‌های ملی ایران در زمان‌های قدیم بوده است که از حیث طرفداری، باورزش کشتی برابری می‌کرد؛ ورزشی برای تقویت توانایی رزم که سواره انجام می‌شد. جان شاردن، گوهرشناس و جهانگرد فرانسوی که در دوره شاه عباس دوم صفوی به ایران آمد، در سفرنامه‌اش، درباره قوانین این بازی در عصر صفویه می‌نویسد: «بازی گوی و چوگان ایرانیان، در میدان بزرگی که در دو منتهی‌الیه آن ستون‌هایی در مجاورت یکدیگر تعبیه شده و به منزه دروازه است، انجام می‌گیرد. گوی را به وسط میدان می‌اندازند و بازیکنان، چوگان در دست، چهار نعله برای زدن آن



این بازی با گروه‌های پانزده یا بیست نفری در مقابل دسته‌هایی به همین تعداد، برگزار می‌شود.»

جواد نوائیان رودسری – خیلی‌ها فکر می‌کنند که پدیده شوم کوه خواری، ماحصل گسترش شهرنشینی و افزایش جمعیت چنین مناطقی است و طبعاً، تاریخ آن از دهه‌های اخیر عقب‌تر نمی‌رود؛ اما دوستانی که چنین فکر می‌کنند، معمولاً از یاد می‌برند که انسان‌های طمّاع و مال‌مردم‌خور، هیچ‌وقت در حصار ادوار تاریخی گرفتار نمی‌شوند و همیشه، افرادی هستند که با سلب حقوق دیگران، به دنبال ایجاد رفاه بیشتر برای خودشان باشند؛ افرادی مثل ابوالقاسم بابر، نواده تیمور لنگ که بین سال‌های ۸۲۸ تا ۸۳۶ خورشیدی بر خراسان و ایضاً، شهر مشهد حکومت می‌کرد. روایت کوه خواری بابر، شاید قدیمی‌ترین روایت از این دست، در تاریخ مشهد باشد. این اتفاق زامانی افتاد که این شهر، در پی اقدامات دوره شاه‌رخ تیموری، پدربزرگ جناب بابر و فرزند تیمور لنگ و همچنین، اهتمام گوهرشاد خاتون، همسر شاه‌رخ، شاهد یک رونق عمرانی و اقتصادی گسترده بود.

تفرج‌گاه کهن مشهدیه‌ها

کوهسنگی از دیرباز، یکی از تفرج‌گاه‌های مهم شهر مشهد بوده‌است. هنوز هم برای مشهدیه‌ی‌ها و همین‌طور زائرانی که از دور و نزدیک برای زیارت به این شهر مقدس سفر می‌کنند، کوهسنگی مکانی دیدنی و تفریحی است که می‌توان دقایقی را در آن به تفرج پرداخت و خستگی در کرد. روایاتی تاریخی وجود دارد که احتمالاً، موکب امام رضا(ع) هنگام عبور از منطقه سناباد و حرکت به سمت مرو، از کنار کوهسنگی گذشته و همین مسئله باعث توجه بیشتر مردم مشهد، به این منطقه شده‌است. کوهسنگی برای حکام و زمامداران ایران هم، مکانی شناخته شده بود. چندی پیش در همین صفحه، داستان آغاز سلطنت شاه‌عباس یکم بر فراز این کوه را برایتان نقل کردم. اما قصه علاقه حکام به این کوه، انگار خیلی قدیمی‌تر از دوره شاه‌عباس است. در واقع، قرار گرفتن کوه در یک نقطه دنج و البته

قافله تنباکو در قاب دوربین سوروگین



این توصیف، می‌توان فهمید که چرا واگذاری این قرارداد به شرکت در زمینه تولید، خرید، فروش و حمل و تون و تنباکو سخن گفته است. این موضوعی است که ناظم‌الاسلام کرمانی هم در کتاب «تاریخ بیداری ایرانیان» به آن اشاره می‌کند. با

سوروگین، عکاس گرجی تباری که تصاویرش از ایران دوره قاجار، شهرتی جهانی دارد، در سال ۱۹۰۰ میلادی (۱۲۷۹ خورشیدی) گرفته؛ یعنی قدمت تصویر، چیزی در حدود ۱۲۰ سال است.

«وقتی اولین سلاله مستقل گونه ایرانی به وسیله آل طاهر در خراسان به‌وجود آمد، خلافت عباسیان دوران انحطاط خود را آغاز می‌کرد. بعد از مأمون که کوششی «متذوقانه» در ترویج علوم عقلی هم نتوانست برادر کشی او را در انتظار عام توجیه کند، خلافت معتمد و واثق، قدرت خلیفه را اندر یجا دستخوش تعصب‌های فرقه‌ای و توطئه‌های درباری کرد و غلبه‌ترکان در عهد متوکل، اندیشه استقلال جویی را در اطراف قلمرو آل عباس تقویت نمود. با آن که خلافت بغداد سامر امخصوصاً بعد از عهد متوکل باز پیچه‌امرای تُرک شد، سلاله‌های مستقل گونه ولایات همچنان غالباً قدرت خود را به‌ظاهر فرمان‌مشمور خلفا منتسب



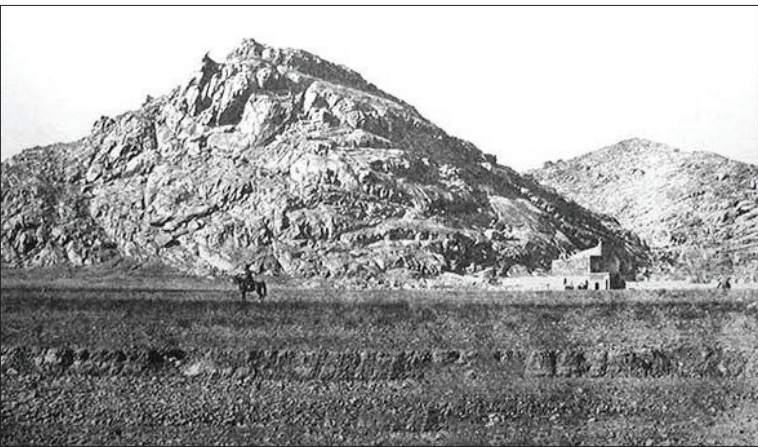
سر نوشت ویلا سازی نواده تیمور لنگ در کوهسنگی چه شد؟

نمایی از وضعیت فعلی کوهسنگی

مسلط به دشت مشهد و از طرفی، صعب‌العبور بودن مسیر برای رسیدن به قله آن، باعث می‌شد که امر او بزرگ‌زادگان هر دودمان، به دنبال ایجاد جایی مستحکم و امن برای لحظات استراحت و خوشگذرانی خود در این مکان باشند و همین مسئله، موجب بروز اولین کوه‌خواری ثبت‌شده در تاریخ مشهد شد!

نسب‌شناسی آقای کوه‌خوار!

هنگامی که تیمور لنگ، در حدود سال ۷۶۰ خورشیدی، یعنی چیزی حدود ۶۴۰ سال قبل، بر ایران مسلط شد و فجایع هجوم مغولان را تکرار کرد، هیچ‌کس گمان نداشت که پس از این، ایران و ایرانی‌روزگار خوش ببیند. اما ستاره اقبال رو به افول سرزمین ما، با روی کار آمدن فرزند فرهنگ‌دوست تیمور لنگ که در اخلاق و رفتار، تفاوتی آشکار با پدرش داشت، دوباره درخشیدن گرفت. شاه‌رخ که بر بخش اعظم سرزمین‌های تیمور در قسمت شرقی و شمالی ایران تسلط داشت، هرات را به پایتختی برگزید و مشهد را مورد توجه خاص قرار داد. با این حال، جانشینان وی، چندان مانند او رفتار نکردند؛ به استثنای الغ‌بیگ و بایسنغر که اهل دانش و فرهنگ محسوب می‌شدند، نوادگان شاه‌رخ، مانند عبداللطیف و ابوالقاسم بابر، کلاً به جدشان رفته بودند و



دورنمایی از کوهسنگی، اواخر دوره قاجار

تاریخ

«زین‌الدین آصفی»، مورخ اوایل دوره صفوی که در سال ۸۹۰، گذرش به قله کوهسنگی افتاده‌است، در جلد دوم کتاب «بدایع‌الوقایع» چنین می‌نویسد: «قریب به نیمه‌شب بود که به کوه‌سنگین (کوهسنگی) رسیدیم که در یک‌فرسخی مشهود است و آن سیرگاه مردم آن جاست. در بالای آن کوه میرزا بابر، سنگبُزران را فرموده که خانه‌ای ساخته‌اند و با جوانان آن جابه سیر می‌آمده. بر بالای آن کوه برآمده درون آن خانه درآمدم. دیدیم دو کس در کنج آن خانه ویرانه نشسته‌اند»

می‌شود، برای بابر که نواده تیمور لنگ هم بود، اصلاً مسئله‌ای به حساب نمی‌آمد! او دستور داد مردم را از کنار کوه برانند و بر فراز بلندترین قله کوهسنگی، اقامتگاهی شاهانه بنا کنند تا آقا زاده تیمور لنگ، هر وقت دلش خواست سری به آن‌جا بزند. این موضوع با توسعه قلمرو بابر و قدرت یافتن بیشتر او، اهمیت بالاتری پیدا کرد؛ چون اومی خواست خود را تافته جدا بافته از دیگر حکمرانان منطقه نشان بدهد. این که بنای ویلای بابر بر فراز کوهسنگی چه ابعادی داشت و چگونه ساخته شد، خیلی معلوم نیست؛ اما با مرگ او، این ویلا هم رنگ فراموشی به خود گرفت و اتفاقاً محلی برای تفرج مردم مشهد و مسافران شد! اگر تاریخ مرگ ابوالقاسم بابر را، طبق گزارش‌های تاریخی، سال ۸۳۶ خورشیدی بدانیم، مدت استفاده وی از ویلای بالای قله کوهسنگی نباید بیشتر از چهار سال بوده باشد؛ یعنی دوران پس از اتمام بنا در سال ۸۳۲. به این ترتیب، نخستین کوه‌خواری تاریخ این شهر، با ویرانی ساختمانش به پایان رسید.

یک گزارش تاریخی

خوشبختانه، از وضعیت ویلای آقا زاده تیمور لنگ در دوره ویرانی، گزارشی دقیق و جالب داریم. «زین‌الدین آصفی»، مورخ اوایل دوره صفوی که در سال ۸۹۰، یعنی حدود ۵۴ سال بعد از مرگ ابوالقاسم بابر، گذرش به قله کوهسنگی افتاده‌است، در جلد دوم کتاب «بدایع‌الوقایع» چنین می‌نویسد: «قریب به نیمه‌شب بود که به کوه‌سنگین (کوهسنگی) رسیدیم که در یک فرسخی مشهود است و آن سیرگاه مردم آن جاست. در بالای آن کوه میرزا بابر، سنگبُزران را فرموده که خانه‌ای ساخته‌اند و با جوانان آن‌جا به سیر می‌آمده. بر بالای آن کوه برآمده درون آن خانه درآمدم. دیدیم دو کس در کنج آن خانه ویرانه نشسته‌اند.» این گزارش بسیار مختصر، تنها روایتی است که کوه‌خواری ۵۷۰ سال قبل را در شهر مشهد، گواهی می‌کند.

سقوط به دریا چه یخ برای شکار!

یک‌شنبه، ۱۰ جمادی‌الاول ۱۳۰۶* – صبح که بر خاستیم، هوا ابر و مستعد باریدن بود. کم‌کم برف هم آمد. خواستیم برویم و سوار شدیم که گفتیم نرویم بهتر است! ناهار را خور دیم، اما دیدیم دلمان می‌خواهد برویم! رفتیم سمت گوگ‌داغ برای شکار. قهوه‌چی باشی را دیدیم که داردتوی برف‌هایم آید. پرسیدیم کجا بودی؟ گفت که اکبری و ادیب و عباس، آدم‌های میر شکار، همه بالای تپه‌توی برف گیر کرده‌اند و چون افتاده‌اند توی گودال آب یخ زده و داشتند غرق می‌شدند. بالا فاکت زیاد از آن آب‌آمده‌اند بیرون که چشمشان به یک میش خورده‌است. خواستند بروند دنبال آن که دوباره افتاده‌اند توی آب! اخندیدیم. گفتیم برویم خودمان ببینیم. رفتیم پای تپه دیدیم لا شخور‌ها از دور، روی هوا می‌چرخند. گفتیم بروند ببینند چیست؟ آمدند گفتند قوچی را که دیروز زدم، نیمه‌جان روی زمین افتاده و چون زنده‌است لا شخور‌ها جرئت نمی‌کنند آن را بخورند. گفتیم سرش را ببرند که هدر نرود؛ بعد آمدم منزل. روز خوبی بود.

* ۲۳ دی‌ماه ۱۳۶۷



منبع: تاریخ مردم ایران، عبدالحسین زرین‌کوب، امیر کبیر، ۱۳۶۸، صص ۹۷ و ۹۸

چگونه ایران از بند خلافت عباسی رها شد؟



منبع: تاریخ مردم ایران، عبدالحسین زرین‌کوب، امیر کبیر، ۱۳۶۸، صص ۹۷ و ۹۸

تاریخ

تاریخ تمدن

«موهونجو دارو»

شهر حمام‌های ۴ هزار سال قبل!



سال ۱۹۱۱ میلادی بود که برای نخستین بار کاوش‌هایی بر بقایای یک شهر باستانی واقع در دره رود سند انجام شد. در آن زمان این منطقه هنوز بخشی از خاک هندوستان تحت استعمار محسوب می‌شد. این شهر باستانی که آن را «موهونجو دارو» می‌نامند، یکی از شگفت‌انگیزترین مناطق شهری دوران باستان است؛ شهری به وسعت ۱۰۰ هکتار، بدون ارگ حکومتی و مملو از حمام‌های کوچک و بزرگ که برای باستان‌شناسان تازه‌گی داشت. آن‌ها در این شهر، اثری از بنایی که بتواند محل زندگی حکمران باشد، پیدا نکردند. شهر معماری دقیقی داشت و تعداد زیاد راه‌آبه‌ها، نشان‌دهنده اهتمام اهالی این شهر به پاکیزگی بود. تقریباً تمام خانه‌هایی که از زیر خاک بیرون آورده شدند، دارای حمام و چاه آب بودند. افزون بر این، حمامی بزرگ با دیوارهای عایق‌شده در مرکز شهر پیدا شد که احتمالاً استفاده از آن جنبه عمومی داشته‌است و به نظر می‌رسد که اهتمام به شست‌وشوی روزانه، یکی از رسوم رایج در «موهونجو دارو» بوده‌است. رونق اقتصاد این شهر بین سال‌های ۲۰۰ تا ۱۸۰۰ پیش از میلاد، به دلیل روابط تجاری با میان‌رودان رقم خورد. آن‌ها با سومری‌ها در جنوب عراق امروزی این شهر بین سال‌های ۲۰۰ تا ۱۸۰۰ پیش از میلاد، به دلیل روابط تجاری با میان‌رودان رقم خورد. آن‌ها با سومری‌ها در جنوب عراق امروزی و نیز، مردمان تمدن جیرفت در کرمان، روابط تجاری گسترده داشتند و احتمالاً این منطقه پُل ورود و خروج کالا به شبه‌قاره هند محسوب می‌شد. این که چرا این شهر و تمدن آن، به یک‌باره به فلات ایران و سپس، شبه‌قاره هند مربوط است. در سال ۱۹۴۰، یک باستان‌شناس به‌نام مورتیمر ویلر، اسکلت ۳۹ انسان را در «موهونجو دارو» یافت که همگی در کنار هم دفن شده بودند و به نظر می‌رسید در جریان یک کشتار عمومی، به قتل رسیده‌اند. به هر حال، اسرار بسیاری درباره «موهونجو دارو» باقی مانده که نیازمند بررسی‌های باستان‌شناسی بیشتر است.

تاریخ باستان

سقوط آشور
پایان یک حکومت هزار ساله



طبق برخی گزارش‌های تاریخی در دسامبر سال ۶۱۲ قبل از میلاد، یعنی حدود ۲۶۳۲ سال پیش، نیروهای متحد ماد و بابل، توانستند نینوا پایتخت آشور را تصرف کنند و به یک حکومت هزار ساله پایان دهند. آشوری‌ها از اقوام سامی نژاد بودند که حرفه‌نمایی مردانشان، جنگاوری و سربازی بود. آن‌ها برای کارهای دیگر، اسرایی را از دیگر نژادها، به کار می‌گرفتند. دوران حکومت فرمانروایان نینوا که از ۱۶۰۰ سال قبل از میلاد مسیح آغاز شده بود، تازمانی که برای نبرد به سربازان بومی خود اتکا داشتند، دوام آورد. آشوری‌ها در دوران حاکمیت خود، تمدن‌های بزرگ همجوار را مطیع یا محو کردند که تمدن عیلام یکی از مهم‌ترین آن‌هاست. با این حال، هنگامی که آریایی‌ها نخستین حکومت خود را در فلات ایران، با پرچمداری قوم ماد تشکیل دادند و پایا کو، نخستین پادشاه دودمان ماد، در هگمتانه یا همدان امروزی مستقر شد، آشوری‌ها با چالشی سخت و سنگین روبه‌رو شدند؛ چالشی که با هجوم سکاها، اقوام آریایی شمال دریای خزر، بیشتر شد. با این حال، ریشه‌دار بودن تمدن آشوری و زیرساخت‌های نظامی و اقتصادی کهن آشوری‌ها، توانست دوام آن‌ها را برای مدتی تضمین کند. نباید از یاد برد که آشور، روزی روزگاری، از مرزهای مصر تا کوه‌های زاگرس در فلات ایران را، در اختیار داشت. آشوری‌ها توانسته بودند حملات موقتی به سکاها و مادها، در زمان حکومت «فرورتیش»، دومین شاه ماد داشته باشند؛ اما هنگامی که «هوخستر»، جانشین فرورتیش، توانست سکاها را از ایران براند و با بایی‌ها متحد شود، سایه شوم مرگ بر سر آشوری‌ها افتاد. تمدن ریشه‌دار آشور با هجوم مشترک دو دولت ماد و بابل، از میان رفت؛ اما این دولت‌ها نیز، چند دهه بعد، مقهور کورش و سربازان هخامنشی شدند. به این ترتیب، آشور و نابود گرانش، همگی به تاریخ پیوستند.